

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۱۶، شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۹۲

بررسی کاربرد معنایی و ادبی عدد هفت و چهل در مثنوی معنوی
(علمی - پژوهشی)*

دکتر محمود صادق زاده
استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

چکیده

مثنوی معنوی، برترین و بزرگ‌ترین اثر عرفانی در ادب فارسی به شمار می‌رود که از ابعاد گسترده و مختصات سبکی فراوانی برخوردار است. از جمله ویژگی‌های بیانی مثنوی، کاربرد اعداد هفت و چهل به شکل‌های گوناگون است.

در این جستار، با تجزیه و تحلیل ابیات شش دفتر مثنوی و نیز با بهره‌جستن از دیدگاه‌های صاحب نظران و منتقدان، کوشش می‌شود، ضمن اشاره به دیدگاه‌های فلسفی، دینی و علمی در باره اعداد و نقش عدد هفت و چهل در ادبیات فارسی، ابتدا کاربرد معنایی و ادبی اعداد هفت و چهل در مثنوی تحلیل، بررسی و ارزیابی و سپس بسامدهای آنها به صورت کمی ارائه شود.

اعداد هفت و چهل، متناسب با موضوع، در مفاهیم قلت، کثرت و مساوات در مثنوی به کار می‌روند. در بسیاری از موارد نیز به تناسب موضوع، از هر دو عدد برای بیان مفاهیم عرفانی و خلق صورخیال و آرایه‌های ادبی استفاده می‌شود. واژه‌های کلیدی: مثنوی مولوی، اعداد مقدس، کاربرد ادبی عدد هفت و چهل، رمزگشایی اعداد.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۲/۸/۱۸
msz_41@yahoo.com

* تاریخ ارسال مقاله: ۹۱/۵/۳۱
نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

کاربرد اعداد و بررسی رمز و رازهای آن همواره در نزد ملل و ادیان مختلف به ویژه ریاضی دانان، فیلسوفان و اندیشمندان اهمیت داشته است. عدد، یک اصل اساسی است که به جز استفاده اصلی و عادی و تأثیرات فراوان آن در پیشرفت های گوناگون بشری، در بسیاری از موارد در میان اقوام گوناگون، مفاهیم نمادین مختلفی به خود گرفته است. (رحمانی راد، ۱۳۸۶: ۱۷)

در تاریخ تفکر بشر، عدد شناسی و حتی ستایش اعداد هم دیده می شود و می توان گفت که طالع بینی، ستاره شناسی، کیمیاگری و علوم از این قبیل نیز هر کدام به نوعی به عدد شناسی احتیاج داشته اند. تقدس و ارزش اعتقادی اعداد در نزد ملل مختلف یا در زمان های مختلف، متفاوت بوده است؛ به عنوان مثال، بابلی ها و ایرانی ها، شصت و مضارب شصت را ترجیح می داده اند. بابلیان و قیثاغورثیان عدد را می پرستیدند و توجه داشتند که مبدا عددی را فراموش کنند و آن را بیازارند.

بعضی اعداد در میان اعراب از اطلاق برخوردارند و منظور خود عدد نیست بلکه از آن به کثرت و مبالغه یاد می شود؛ مثل عدد هفت، هفتاد، هفتصد و چهل. مسئله دیگر، اعتقاد به خیر و شر دانستن اعداد است. شاید بتوان گفت که در دنیای باستان، هر چیزی مقدس بود یا نامقدس، فضیلت محسوب می شد یا رذیلت، مبارک بود یا نحس و بالأخره خیر بود یا شر. این موضوع در رابطه با اعداد هم صدق می کرد. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۱۳)

هرچند قدیمی ترین قومی که به عدد هفت توجه کرده، قوم سومر بوده است، عدد هفت در همه تاریخ جهان و در مذاهب گوناگون اهمیت زیادی داشته است؛ همان گونه که شماره بسیاری از مکان ها و امور هفت بوده است: هفت طبقه زمین، هفت طبقه آسمان، روزهای هفته، هفت فرشته مقدس، هفت بار طواف بر گرد کعبه، تقسیم جهان به هفت اقلیم و... (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه هفت)

عدد چهل نیز در بسیاری از ملل و ادیان، بویژه در بین اقوام سامی، اهمیت بسزایی داشته است؛ چنان که در مصر قدیم، ادوار نجوم بر حسب دوره چهل ساله محاسبه می شده است. بابلیان نیز عقیده داشتند که اگر ستاره پروین چهل روز ناپدید شود، دوره مهلکی در

پی خواهد بود. دوره های بلا را نیز با چهل محاسبه می کردند، مانند طوفان نوح که چهل سال طول کشید و.... (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۳)

در متون دینی اسلامی و یهودی و نیز در یونان قدیم، معادل یابی برای حروف و اعداد در جهت تفسیر و تبیین منطقی - عرفانی متون مذهبی از جایگاه والایی برخوردار بوده است؛ به طوری که از میان علوم اسلامی، علمی به نام «جفر» که بر پایه اعداد و حروف استوار است، متولد شده که یکسره به راز و رمز نهفته در اعداد و حروف می پرداخته و از این رهگذر، در جهت کشف ناشناخته ها گام برمی داشته است. (همان: ۱)

در دوران جدید نیز ریاضی دانانی که ذهن خلاق و شکوفا دارند، متفق القول هستند که اعداد در واقع اشیائی هستند دارای خواص ویژه؛ بدون اعداد تقریباً چیز دیگری وجود نخواهد داشت. یونگ، روان شناس برجسته هم گفته است: سیارات و اعداد، کلیدهای ارزشمندی را برای گشودن و روشن کردن نامکشوف ضمیر ناخود آگاه انسان به دست می دهند. حتی فروید نیز قدرت های مخصوصی را برای اعداد قائل بود و اعتراف می کرد که دو عدد بیست و سه و بیست و هشت، در زندگی اش نقش تعیین کننده ای داشته اند. (ستارپور، ۱۳۸۷: ۲۰)

اعداد در زبان و ادب فارسی نیز علاوه بر کاربردهای اصلی و عادی خود، برای خلق تصاویر شعری و آرایش های کلامی و بیان مفاهیم دینی و عرفانی به کار رفته است. در عالم وسیع و عمیق مثنوی معنوی هم، از اعداد بویژه عدد هفت و چهل، به جز استفاده در معانی اصلی، برای بیان مضامین قرآنی، دینی و عرفانی و نیز آفرینش صورخیال، آرایه های لفظی و معنوی استفاده شده است.

در این پژوهش، به کاربردهای گوناگون عدد هفت و چهل در این شاهکار عرفانی جهان پرداخته می شود. منبع اولیه پژوهش، مثنوی معنوی، (۱۳۸۴)، نسخه نیکلسون، به تصحیح و ویرایش سعید حمیدیان است که اشعار استفاده شده بر اساس شماره ابیات به همین منبع ارجاع شده است.

۱-۱- بیان مسئله:

مثنوی معنوی، بزرگترین و برترین اثر عرفانی به زبان فارسی است که به لحاظ ویژگی های سبکی و بویژه کاربرد اعداد در معانی اصلی و ادبی و بیان مفاهیم عرفانی، دینی و

فلسفی از مختصاتاتی برخوردار است. مسئله اصلی این جستار نیز تحلیل و بررسی کاربرد های گوناگون اعداد هفت و چهل در مثنوی معنوی است و کوشش می شود که به شیوه توصیفی، تحلیلی و کمی و نیز با استفاده از معتبرترین شرح ها و نقدهای مثنوی، به بررسی و ارزیابی کاربرد اعداد هفت و چهل در ترکیب سازی، تصویر سازی، آرایش های کلامی و بیان مضامین و مفاهیم نمادین در شش دفتر مثنوی پرداخته شود.

ابتدا، به طور مختصر به رمز و راز عدد هفت و چهل در ایران باستان، متون دینی و اسلامی، عرفان و ادب فارسی توجه شده و سپس، مهم ترین کاربردهای علوم بدیعی، معانی و بیان در مثنوی کبیر تحلیل و بررسی و نتایج آن در جدول ها و نمودارهایی ارائه شده است.

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش:

حکیم مولوی از شاعران صاحب سبک شخصی به شمار می رود که همه عناصر و تصاویر شعری وی، از جمله کاربرد اعداد در مثنوی معنوی، در خدمت بیان مضامین و مفاهیم قرار می گیرند؛ از این رو، هر چند لفظ و زبان از دیدگاه مولوی وسیله رساندن معانی و مفاهیم هستند، وی در اشعارش اقتضای حال و مقال و اصول فصاحت و بلاغت کلامی و ویژگی های هنری و زیبا شناسی را نیز رعایت کرده است؛ به طوری که سطوح زبانی اشعار وی، با سطوح ادبی و اندیشگی وی تناسب و هماهنگی خاصی پیدا کرده است.

از این رو، برای شناخت مفاهیم والای مثنوی، تحلیل و بررسی کاربرد انواع اعداد برای خلق آرایش های کلامی و فنون معانی و بیان ضروری است.

۱-۳- پیشینه تحقیق:

در باره کاربرد ادبی و معنایی اعداد، به ویژه هفت و چهل در متون ادبی و دینی فارسی تألیفات و تحقیقاتی به صورت مستقل و گاهی به طور مطالب کوتاه و پراکنده در منابع نوشتاری و پایگاه های اطلاعاتی وجود دارد که مهم ترین ها عبارتند از: (۱) رموز اسرار آمیز عدد چهل از محسن آشتیانی، (۲) راز هفت، نمادشناسی و اسطوره شناسی عدد هفت

از اسدا... بقایایی، (۳) اسرار شگفت انگیز عدد هفت از اعظم رحمانی راد و طیه اسلامی، (۴) عدد، نماد، اسطوره از آرش نورآقایی، (۵) عدد چهل در قلمرو آیات و احادیث، (۶) تأملی در سطح ادبی مثنوی معنوی از محمود فضیلت و... اما در باره کاربرد ادبی و معانی اعداد، به خصوص هفت و چهل در مثنوی مولوی، تألیف و تحقیق مستقل و جامعی پدید نیامده، جز مطالبی کوتاه و اشاره وار که در منابع شرح و تفسیر و نقد و تحلیل ابعاد گوناگون مثنوی معنوی آمده است.

۲- بحث

۲-۱- راز و رمز عدد هفت

الف- در ایران باستان: هفت، در لغت به معنی کولی بسیار و زمین هموار، نشیب و باران زود بارنده و نیز به معنی از سبکی پریدن و سخن بسیار و بی اندیشه گفتن است (والی، ۱۳۷۹: ۱۰) از میان اعداد، شماره هفت از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف جهان و از جمله ایران زمین بوده است. اغلب در امور ایزدی و نیک و گاه در امور اهریمنی و شر به کار می رفته است. هفت، نخستین عددی است که هم مادی و هم معنوی است و از طریق نمادها، آسمان و زمین را به هم متصل می کند؛ عدد عالم و عالم کبیر است. هفت یعنی کمال، امنیت، ایمنی، آرامش، وفور و آفرینش. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۷۶)

اعتقاد به هفت اقلیم که در اعتقادات ایران باستان نماد بارزی دارد، نمادی از اهورامزدا و شش امشاسپند است. طبق این اعتقاد، هفت اقلیم در بخش مسکون دنیا واقع شده اند و در مرکز آن، کشور ایران قرار دارد. در اساطیر و اندیشه های زرتشتی، هرمزد و شش امشاسپندان عدد هفت را تشکیل می دهند. اهورامزدا، هفت صفت دارد: نور، عقل نیک، راستی، درستی، قدرت، تقوی، خیر، فناپذیری. بنا به اسطوره های زرتشتی، زمین به هفت اقلیم تقسیم می شود. هرودوت، مورخ یونانی، عقیده دارد که شهر اکباتان (هگمتانه)، هفت دیوار به رنگ هفت ستاره داشت که آنجا را یک عالم صغیر می دانستند. رستم و اسفندیار نیز از هفت خوان (آزمون های سخت) می گذرند.

ب- در قرآن مجید و سنت های اسلامی: در اندیشه های اسلامی، نخستین عدد کامل، هفت است و هفت بار طواف کعبه که زائر برخلاف عقربه های ساعت انجام

می دهد، مظهر هفت نشانه خداست. مسلمانان در هنگام سجده، هفت موضع از بدن را بر زمین قرار می دهند. دوزخ هفت طبقه است: جهنم، سقر، لظی، حطمه، سمیر، جحیم و هاویه؛ از این رو، شمارهٔ رذیلت ها را نیز هفت گفته اند:

«به زیر هر عدد سرّی نهفته است از آن درهای دوزخ نیز هفت است
 ظهور نیکویی در اعتدال است عدالت جسم را اقصی کمال است
 جزای عدل، نور و رحمت آمد سزای ظلم لعن و ظلمت آمد»

(الهی قمشه ای، ۱۳۹۰: ۴۱۴)

بنابراین، عدد هفت در بیشتر موارد، بیانگر کثرت و عظمت است؛ مثلاً: خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید: «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان: ۲۷): و اگر از آنچه درخت در زمین است، قلم شود و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خداست که شکست ناپذیر است. (قرآن کریم: الهی قمشه ای)

یا: «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ» (حجر: ۴۳-۴۴): و قطعاً و عداگاه همه آنان دوزخ است [دوزخی] که برای آن هفت در است و از هر دری، بخش معینی از آنان [وارد می شوند]. (قرآن کریم: همان)

ج- در عرفان و ادب فارسی: در عرفان و تصوف ایرانی - اسلامی، هفت شهر

عشق (طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فنا) و هفت مقام عرفان (توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل، رضا) و.. مطرح است. همچنین در عرفان نظری، عروج به سوی عرش الهی، به واسطهٔ فیض الهی و با گذر از لطائف هفتگانه ممکن است. این گذر، به دو صورت قوس عروج و قوس نزول نشان داده می شود. در قوس عروج، سالک از عوالم طبیعت، صورت، معنی، ملکوت، جبروت، لاهوت و ماهوت می گذرد و در قوس نزول، از لطیفهٔ حقیقهٔ محمدیه آغاز و با گذر از مراتب لطیفهٔ خفیهٔ عیسی، لطیفهٔ روحیهٔ داوود، لطیفهٔ سریهٔ موسی، لطیفهٔ قبیلهٔ ابراهیم، لطیفهٔ نفیسهٔ نوح به لطیفهٔ قالبیهٔ آدم می رسد. امروزه هم عدد هفت را در سفره های هفت سین هر ایرانی مشاهده می کنیم. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۷۸ - ۷۹)

عدد هفت در ادبیات فارسی از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردار است. کمترین تعداد ابیات یک غزل، هفت بیت است. کتاب های زیادی بر مبنای عدد هفت شکل گرفته است: عطار نیشابوری در مثنوی منطق الطیر، هفت وادی سلوک را بیان می کند. هفت اقلیم احمد امین رازی در باب اقلیم های هفت گانه، هفت حصار خواجه عبدالله انصاری، هفت بند محتشم کاشانی، هفت دکان نورالدین شاه نعمت الله ولی کرمانی و مجالس سبعة مولوی که مشتمل بر هفت مجلس و نمودار افکار وی از آشنایی با شمس است. نظامی گنجه ای در مثنوی خسرو و شیرین، به «هفت گنج خسرو» اشاره می کند و در مثنوی اقبال نامه، از «هفت حکیم» نام می برد و همچنین در مثنوی هفت پیکر در بخش های مختلف، به عدد هفت اشاره دارد. (نصیری دهقان، ۱۳۸۹: ۹۹) عارفان بالله برای درک حقیقت، مراحل را باید به عینه ببینند و برای آدم شدن و به کمال انسانی رسیدن، به اصطلاح هفت شهر را بگردند. (دلفی، بی تا: ۲۷)

د- در ضرب المثلهای: «هفت بار گز کن، یک بار بیر»، «آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی» و «در هفت آسمان، یک ستاره هم ندارد» (خوشبخت، ۱۳۷۸: ۳۴۹)؛ «گره هفت جان دارد»، «گره هفت بار جای بچه هایش را عوض می کند»، «هفت خانه به یک دیگ محتاج اند»، «هفت دریا سبو نمی دارد»، «کار هفت ملا کردن»، «هفت پادشاه را خواب دیدن»، «هفت کفن پوساندن»، «هفت پشت (جد)»، «هفت ماهه به دنیا آمدن» و «هفت قلم آرایش کردن» (والی، ۱۳۷۹: ۳۴)؛ آب را زیر هفت طبقه دیدن»، توی هفت آسیاب یک من آرد نداشتن». (شاملو، ۱۳۷۵: ۴۷۰-۴۷۹)

۲-۲- راز و رمز عدد چهل

الف- در ایران باستان: در آیین های مردمی ایرانیان، همواره چهل و چله از اهمیت بسیاری برخوردار است که به مهم ترین موارد آن اشاره می شود. اصولاً چهل، مدت زمانی ای است که شخصیت و موجودیت فرد با یک پدیده و موقعیتی، همچون تولد، ازدواج و مرگ، به هماهنگی و یا مرحله جدیدی دست می یابد. جشن چله (یلدا) با جشن سده (یکی از جشن های ایرانیان) ارتباط دارد؛ از شب چله تا جشن سده که در دهم

بهمین برگزار می شود، چهل روز باقی مانده است. همچنین، ایرانیان قدیم عقیده داشتند که چهلمین روز هر فصل، نماد اوج آن فصل است. مکان هایی در ایران وجود دارند که تداعی کننده عدد چهل اند: مقبره چهل تن در رفسنجان، چهل چشمه دیواندره، چهل ستون قزوین، چهل ستون اصفهان، چهل دختران توران پشت یزد و... (نور آقایی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

ب- در قرآن مجید و متون اسلامی: عدد چهل در تاریخ و فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردار و در بیشتر موارد بیانگر کثرت، جامعیت و کمال است. چهل، عدد انتظار، آمادگی، آزمایش و تنبیه است. عدد چهل، نشانه به پایان رسیدن یک دوره تاریخی است؛ دوره ای که نه فقط به تکرار، بلکه به تغییری اساسی و گذر از نظام عملی از یک زندگی به زندگی دیگر منتهی می شود. خداوند، حضرت موسی و محمد (ص) را در چهل سالگی فراخواند، بیعت با نوح، چهل روز پس از طوفان رخ داد، موسی چهل روز بر طور سینا ماند، مدت موعظه عیسی، چهل ماه بود و در مدت چهل روز بر حواریون ظاهر شد و عروج او از قبر، پس از چهل سال رخ داد. (همان)

خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره احقاف، با اشاره به چهل سالگی، اهمیت و حساسیت این مرحله از عمر آدمی را گوشزد می کند: «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً...» تا هنگامی که طفل به حد رشد کامل و چهل سالگی برسد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریف می نویسد: «چهل سالگی عادتاً ملازم با رسیدن به کمال عقل است». (المیزان، ج ۱۸: ۳۰۶)

ابن عباس نقل می کند: «هر کس به چهل سالگی برسد و اعمال خیرش بر اعمال شرش غلبه نکند، خودش را برای آتش دوزخ آماده نماید. (تفسیر نمونه، ج ۲۱: ۳۲۵) همچنین، امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَفِي فُسْحِهِ مِنْ أَمْرِهِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ مَلَكِيهِ قَدْ عَمَرْتُ عَبْدِي هَذَا عُمُرًا فَعَلَّظًا وَشَدِيدًا وَتَحَفُّظًا وَكَتَبَا عَلَيْهِ قَلِيلَ عَمَلِهِ وَكَثِيرَةَ وَصَغِيرَةَ وَكَبِيرَةَ» همانا بنده، مادامی که به چهل سالگی نرسیده است در وسعت است، پس هنگامی که به چهل سالگی رسید، خداوند متعال به دو ملک خود وحی می کند که به بنده ام این میزان از عمر را دادم؛ پس بر او سخت بگیرد و کم و زیاد و کوچک و بزرگ از عملش را بنویسد. (طرازی، ۱۳۸۶: ۸-۱۱)

علاوه بر این، اربعین حسینی در تاریخ اسلام و تشیع اهمیت بسیاری دارد و سرآغاز حرکت‌ها و انقلاب‌های فرهنگی، دینی و سیاسی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی به شمار می‌رود.

ج- در عرفان و ادب فارسی: حکمت و فلسفه چله نشینی: سهروردی می‌گوید:

چون خداوند خواست تا آدم را به خلافت خود در زمین نصب کند و معمار این جهان گرداند، وی را ترکیبی بخشید و آن را به چهل صباح ترشیح و تخمیر کرد و هر روز از این چهل روز، صفتی در آدم پدید آمد که موجب تعلق وی به این جهان شد و هر تعلق، حجابی گردید که وی را از مشاهده جمال حضرت حق محروم ساخت و هر حجابی، سبب دوری او از عالم غیب شده و دوری وی، علت نزدیک شدن او به عالم شهادت شد تا آنگاه که در روز چهلم، حجاب‌ها متراکم و آدم آفریده شد. سالک در این چهل روز، به واسطه اخلاص عمل برای خدا، در هر روز یک حجاب مرتفع می‌سازد تا در روز چهلم، همه حجاب‌ها از بین برود و انوار حق در وی تجلی یابد و به مشاهده جمال حق نائل شود.

پس حکمت در تعیین چهل روز، عکس ترتیب اول است. (همای، ۱۳۷۶: ۱۶۲)

با توجه به این مطالب، هرچند کلمه اربعین از اعداد و کمیات است، در فرهنگ و عرفان اسلامی، این واژه «کمی» در ارتباط با «کیفیات» مطرح می‌شود؛ بنابراین، تکرار عمل و تلقین سخن تا مرحله «چهل» = «اربعین»، موجب تکمیل ابعاد روحانی و عرفانی انسان می‌شود؛ از این رو، روایات مربوط به اربعین، بیشتر به سیر باطنی و تعالی روحی توجه دارد و در واقع، چنین استفاده می‌شود که انسان هر حرکت مخلصانه‌ای را که تا چهل بار ادامه داده باشد، پس از آن، دریچه‌ای از نور به روی او گشوده می‌شود و آغاز یک سلسله جوشش‌ها، لذت‌ها و رویش‌ها در زندگی روحانی و معنوی او خواهد بود. از این دیدگاه، در عدد چهل اثری نهفته است که در اعداد دیگر، این اثر وجود ندارد و آن عبارت است از دست‌یابی به اوج کمال. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۹-۱۱)

د- در ضرب المثل‌ها: «در چهل سالگی، طنبور می‌آموزد و در گور استاد خواهد

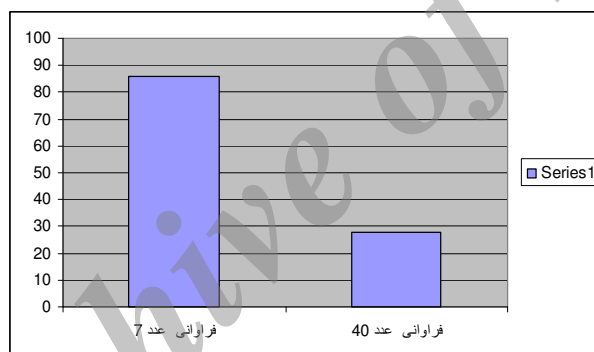
شد.» (ستارپور، همان: ص ۲۷) «آدم تنبل، عقل چهل وزیر داره»، «بعد از چهل سال گدایی، شب جمعه را گم کرده»، «جاده دزد زده تا چهل روز امنه»، «مرد چهل ساله، تازه اول

چلچلیشه»، «یه کلاغ و چهل کلاغ»، «هیچ عروسی نیست که تا چهل روز سفید بخت نباشه» و... (امثال و حکم دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل عدد چهل)

۲-۳- کاربرد اعداد در مثنوی

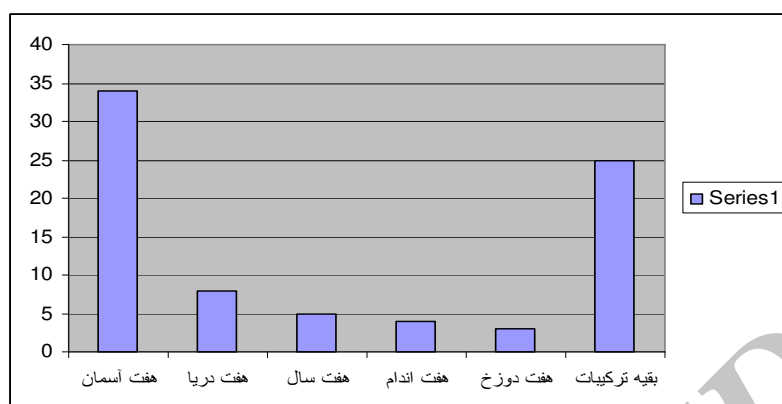
از اعداد هفت و چهل در مثنوی، علاوه بر کاربرد زبان عادی و دستوری، برای بیان مفاهیم گوناگون دینی و عرفانی و آفرینش آرایش های کلامی و ویژگی های ادبی نیز استفاده شده است. مجموعاً، در مثنوی ۸۶ بار عدد هفت و ۲۸ بار عدد چهل به صورت بسیط، مرکب و یا مشتق و به شکل عددهای اصلی، ترتیبی، کسری و توضیحی آورده شده است. میزان کاربرد عدد هفت در دفترهای پنجم و سوم و عدد چهل در دفترهای پنجم و یکم مثنوی، بیش از دفترهای دیگر بوده که فراوانی و بسامد کاربرد هریک در نمودار زیر نشان داده می شود.

نمودار شماره ۱: مقایسه فراوانی اعداد هفت و چهل در مثنوی



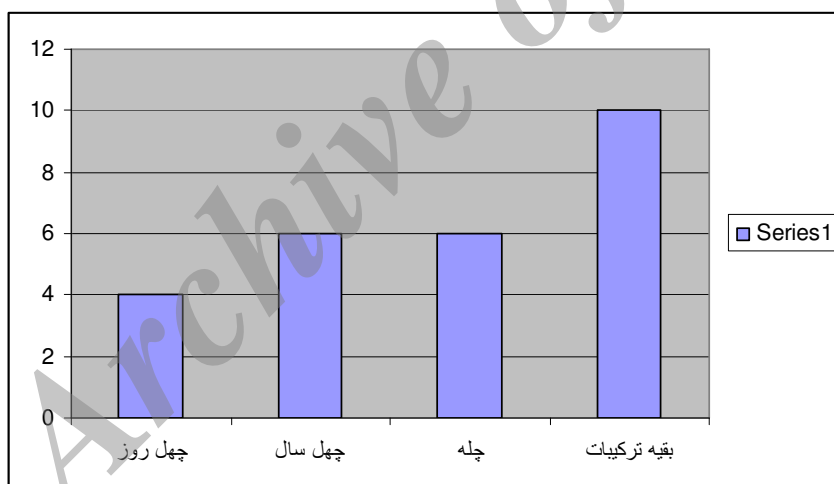
در کاربرد عدد هفت به صورت ترکیبی، ترکیب «هفت آسمان» بیشتر به کار رفته است. دیگر ترکیبات عدد هفت در مثنوی شامل: هفت دریا، هفت انجمن، هفت رنگ، هفت اقلیم، هفت بطن قرآن، هفت شمع، هفت مرد، هفت ارسلان، هفت روز، هفت نوبت، هفت سر مار، هفت بطن (شکم)، هفت بز، هفت گاو فربه و هفت گاو لاغر است

نمودار شماره ۲: فراوانی ترکیبات عدد هفت



در میان کاربرد ترکیبات ساخته شده با عدد چهل، ترکیب «چله» و «چهل سال» بیشتر استفاده شده است. دیگر ترکیبات با عدد چهل نیز شامل: چهل گز، چهل هزار، چهل امیر، چهل استر، چهل شتر، چهل گام، چهل درم و چهل صبح است.

نمودار شماره ۳: فراوانی ترکیبات عدد چهل



۲-۳-۱- کاربرد اعداد در مفهوم قلت، کثرت و مساوات

در مثنوی، عدد چهل بیشتر به منظور کثرت و مساوات و عدد هفت بیشتر در معنی کثرت به کار رفته است. منظور از کثرت، بار معنای مثبت یا زیاد بودن معنا، تأکید بیشتر و مبالغه است.

منظور از مساوات، یعنی واژه در معنی اصلی خود به کار رفته و منظور از قلت در معنای حداقل، برای کم ارزش دانستن است.

(۱) اعداد نماینده قلت

تا بود کز دیدگان هفت رنگ دیده‌ای پیدا کند صبر و درنگ (د: ۲: ۷۵۶)
هفت رنگ: رنگ‌های هفت گانه (جهان کثرت). (زمانی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۱۹) دیدگان هفت رنگ، کنایه است از چشم‌های ظاهری که به وسیله آن می‌توان هفت رنگ خورشید را دید؛ چشم ظاهر که ناظر رنگ‌های مختلف تعینات است.

انقروی، «هفت رنگ» را هفت پرده چشم گرفته و بعضی شارحان، تفسیرهای دیگری کرده‌اند که بسیار دور می‌نماید. رنگ‌ها، استعاره از تجلیات ربوبی است. زیبایی‌ها و زیورهای دنیا فریبنده است؛ باید کوشید تا هوس دسترسی به آن از دل دور شود. این زیبایی‌ها، فریبنده‌ای است ناپایدار، همچون صبح کاذب که می‌درخشد و ناآشنایان را به گمان صبح به راه می‌کشاند و گمراه می‌سازد. اگر دیده‌ای که بدان رنگ‌های ظاهری گشوده است، بسته گردد، انوار حقیقت بر آن تجلی خواهد کرد. آنگاه است که آدمی از هفت رنگی که به آسمان تعلق دارد و تجلی آن در عالم طبیعت است، برتر می‌رود و خود آفتابی شود. (شهیدی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۵۷ و ۱۵۸)

هر که او چل گام کوری را کشد گشت آمرزیده و یابد رشد

(مثنوی، د: ۴: ۱۴۶۹)

یک مسئله مهم در مضمون این بیت وجود دارد و آن، اینکه راه بردن یک نایبنا به قدر چهل گام، چندان اهمیتی دارد که پاداشش محو شدن گناهان و ورود به فردوس برین باشد. نظیر این مضمون در روایات زیادی وارد شده و به عملی که در نظر ناچیز می‌نماید، پاداش‌های بسیار عالی وعده داده شده است. (جعفری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۲۰۳)

(۲) اعداد نماینده مفهوم اصلی یا مساوات

صورت نفس ار بجویی ای پسر قصه دوزخ بخوان با هفت در (د: ۱: ۷۷۹)

معنی: ای پسر اگر می‌خواهی صورت حقیقی نفس را بشناسی، باید توصیف دوزخ را با هفت دری که دارد از قرآن کریم بخوانی و بفهمی. آری نفس انسان مانند دوزخ دارای هفت دری است.

بر سر زر تا چهل منزل براند تا که زر را در نظر آبی نماند (د:۴:ب:۵۶۵)
 چهل منزل، روی طلا راه رفتند و دیگر برای طلایی که به عنوان هدیه برای سلیمان
 می‌برند، آبرویی نماند. در اینجا، چهل به معنی اصلی خود به کار رفته است (جعفری،
 تفسیر مثنوی، ج ۱: ص ۵۰۲) و آب، در مفهوم آبرو.

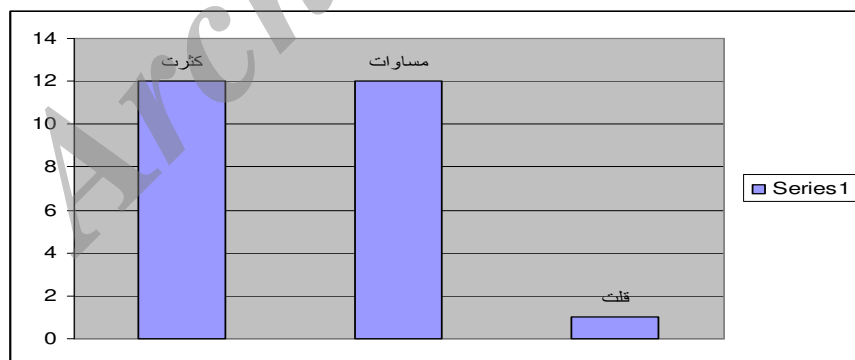
(۳) اعداد نماینده کثرت

آدم خاکی ز حق آموخت علم تا به هفتم آسمان فروخت علم (د:۱:ب:۱۰۱۲)
 گر نه موش دزد در انبار ماست گندم اعمال چل ساله کجاست؟ (د:۱:ب:۳۸۲)

نمودار شماره ۴: فراوانی کاربرد عدد هفت در مفهوم کثرت، قلت و مساوات



نمودار شماره ۵: فراوانی کاربرد عدد چهل در مفهوم کثرت، قلت و مساوات



از این نمودار مشخص می‌شود که در مثنوی، عدد چهل بیشتر به منظور کثرت و مساوات به کار رفته و این نشانگر استفاده بیشتر از این عدد برای حکایت‌ها و تمثیل‌هاست

منظور از کثرت، بار معنای مثبت یا زیاد بودن معنا، تأکید بیشتر و مبالغه است. منظور از مساوات، یعنی واژه در معنی اصلی خود به کار رفته و منظور از قلت در معنای حداقل، برای کم ارزش دانستن است.

۲-۴-۱- کاربرد عدد چهل

در علم معانی، عدد چهل بیشتر دارای آرایه استفهام انکاری و اطناب است.
(۱) استفهام انکاری: استفهام انکاری، نوعی از کاربرد جملات انشایی برای تأکید و تأثیر بیشتر است؛ بدین صورت که گوینده برای نفی و انکار مطلبی، آن را به شکل پرسشی مطرح می‌کند و پاسخ آن منفی است. «چطور چنین چیزی ممکن است؟ (یعنی: حتماً ممکن نیست)؛ مگر کوری؟ (یعنی: حتماً نیستی)، که مفاد این جملات، استبعاد و متعذر بودن است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۱۲)

چیست مزد کار؟ من دیدار یار گر چه خود بو بکر بخشد چل هزار
چل هزار او نباشد مزد من کی بود شبهه شبهه دُر عدن؟
(د: ۲: ب ۵۷۶ و ۵۷۷)

(۲) اطناب:

هدیه بلقیس چل استر بُدست بار آنها جمله خشت زر بُدست (د: ۴: ب ۵۶۳)
- ایضاح بعدالابهام
گر بگویم از جمادات جهان عاقلانه، یاری پیغمبران
مثنوی چندان شود که چل شتر گر کشد، عاجز شود از بار پُر
(د: ۴: ب ۷۹۰)
- ایضاح بعدالابهام

۲-۴-۲- کاربرد عدد چهل در علم بیان

هر چند با استفاده از عدد چهل، تصاویر شعری گوناگونی آفریده شده، بیشترین تصویر به کار رفته، کنایه است.
(۱) تشبیه:

گر نه موش دزد در انبار ماست گندم اعمال چل ساله کجاست؟

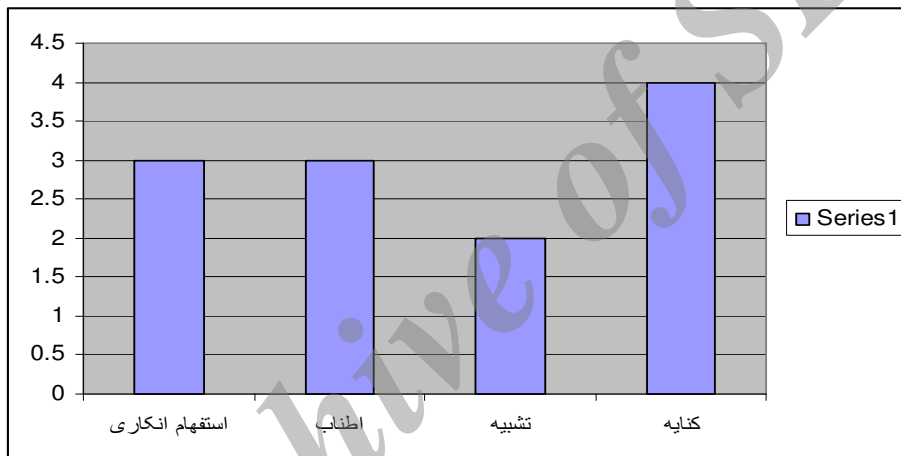
(د ۱: ۳۸۲)

تشبیه: اعمال صالحه و فعالیت های ثمربخش انسانی را به گندم تشبیه کرده که ما آن را جمع می کنیم و رهنان درونی و برونی را به موش که اندوخته های ما را از گندم می دزدد. (جعفری، ۱۳۶۶: ۱۷۹)

(۲) کنایه:

آدمی را اندک اندک آن همام تا چهل سالش کند مرد تمام (د ۳: ب ۳۵۰۲) چهل سال: کنایه از چهل سال از عمر که پشت سر گذاشته باشند. (پیشینیان عقیده داشتند که چهل سالگی، هنگام بلوغ عقلی است.)

نمودار شماره ۶: فراوانی کاربرد عدد چهل برای علم معانی و بیان



بنابراین، آوردن کنایه، یکی از هنرهای مولوی برای بیان مضامین است که به سخنش زیبایی خاصی می بخشد. تشبیه به کار رفته در مثنوی نیز بیشتر از نوع مجمل، مؤکد و بلیغ است و اطناب نیز بیشتر از نوع ایضاح بعدالابهام است، برای هیجان دادن به شعر.

۲-۴-۳- کاربرد عدد چهل در علم بدیع

الف) آرایه های معنوی

آرایه های معنوی که در ابیات دارای چهل در مثنوی به کار رفته، شامل موارد زیر

است:

(۱) ارسال المثل:

گر نه موش دزد در انبار ماست گندم اعمال چل ساله کجاست؟ (د ۱: ب ۳۸۲)
این بیت تمثیلی است برای عمل نفس یا وهم نسبت به آثار، اعمال و خواطر نیک.
(فروزان فر، شرح مثنوی، ج ۱: ص ۱۷۶)

این نخواهد شد به یک روز و دو روز مهلتم ده تا چهل روز تموز

(۱۰۸۴: ۳د)

موضوع این مهلت در آیه های ۵۷ و ۶۰ سوره طه آمده است و در آنجا، فرعون می گوید: «فاجعل بیننا و بینک موعدا». «چهل روز تموز»، در اینجا، یعنی: چله تابستان.
(استعلامی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۶۷)

این چهل روزش بده مهلت به طوع تا سگالد مکرها او نوع نوع

(۱۰۹۳: ب ۳د)

(۲) ابداع:

چیست مزد کار من دیدار یار گرچه خود بویکر بخشد چل هزار

چل هزار او نباشد مزد من کی بود شبه شبه در عدن؟ (د ۱: ۳۸۲)

- تلمیح: بیت یکم، اشاره دارد به روایتی که: «ابو بکر به تجارت آوازه داشت. آنگاه که پیامبر (ص) به رسالت مبعوث شد، ابوبکر چهل هزار درهم داشت و بخشی از آن را برای تقویت مسلمانان انفاق کرد تا آنکه به مدینه هجرت کرد، در حالی که تنها پنج هزار درهم داشت. آنگاه در مدینه نیز همان کار می کرد که در مکه». (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۵۲) و نیز اشاره دارد به قرآن مجید (توبه: ۱۱۱) و (اشعرا: ۱۴۵) و...

- استفهام انکاری: کی بود شبه شبه در عدن

- جناس ناقص: شبه و شبه / تصدیر و تکرار: مزد من، چل هزار / واج

آرایی.

(۳) مبالغه و اغراق:

گر بگویم از جمادات جهان عاقلانه یاری پیغمبران

مثنوی چندان شود که چل شتر گر کشد، عاجز شود از بار پُر

(د ۴: ب ۷۹۰)

(ب) آرایه های لفظی

آرایه های لفظی که در ابیات دارای چهل در مثنوی به کار رفته، از این قبیل است:

(۱) جناس:

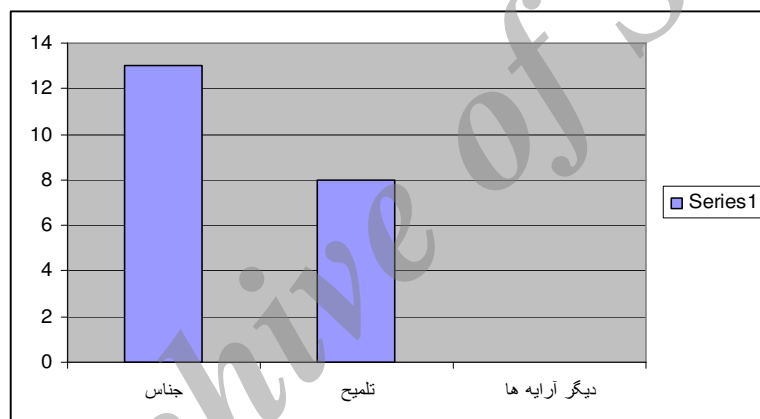
بعد از آن، چل روزِ دیگر در بیست خویش کشت و از وجود خود برست
(د ۱: ۶۶۲)

جناس لاحق: بیست، برست.

(۲) ردالصدر علی العجز:

چیست مزد کار من دیدار یار گر چه خود بو بکر بخشد چل هزار
چل هزار او نباشد مزد من کی بود شبه شبه دُر عدن؟
(د ۲: ۵۷۶ و ۵۷۷)

نمودار شماره ۷: فراوانی آرایه های لفظی با عدد چهل



با توجه به نتایج این پژوهش، بیشترین آرایه لفظی که در مثنوی به کار رفته جناس و

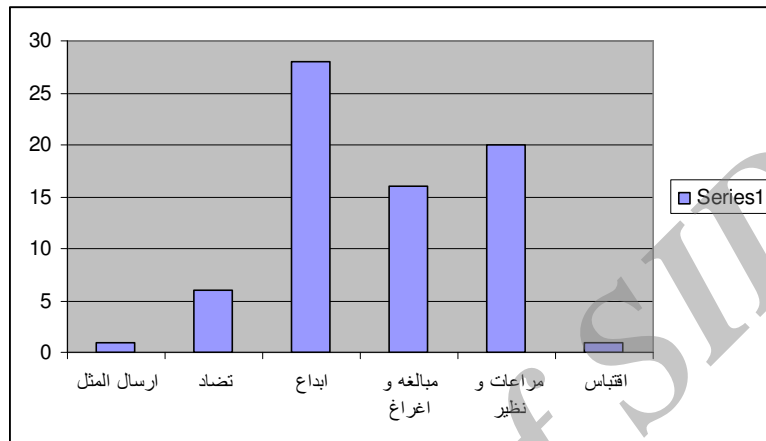
پس از آن، ردالصدر علی العجز است.

(۳) تلمیح:

آدمی را اندک اندک آن همام تا چهل سالش کند مرد تمام (د ۳: ۳۵۰۲)
پیامبر (ص) می فرماید: «أبناء الاربعین زرع قَدْ دَتی حصاده»، چهل سالگان مانند
زراعتی هستند که درو کردن آن نزدیک است.

خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره احقاف، با اشاره به سن چهل سالگی، اهمیت و حساسیت این مرحله از عمر آدمی را گوشزد می‌کند: «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» تا هنگامی که طفل به حد رشد کامل و سن چهل سالگی برسد.

نمودار شماره ۸: فراوانی آرایه های معنوی در عدد هفت



آوردن آرایه ابداع و مراعات‌النظیر از هنرنمایی های شاعر است که در اینجا نیز کاربرد زیادی داشته است.

۲-۵-۱- کاربرد عدد هفت

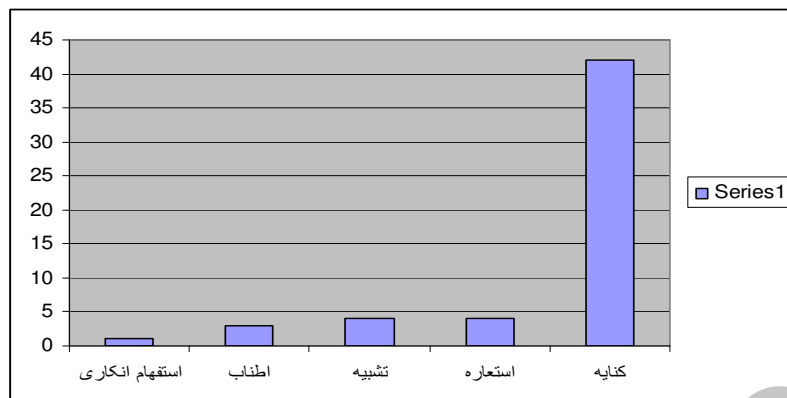
(۱) استفهام انکاری:

متهم چون دارم آنها را که حق کرد امین مخزن هفتم طبق؟ (د: ۲، ب: ۳۴۹۷)
بیشترین آرایه به کار رفته در مثنوی، به لحاظ علم معانی، اطناب است.

(۲) اطناب

هفت گاو لاغری پر گزند هفت گاو فربهش را می‌خورند هفت
خوشه خشک زشت ناپسند سنبلات تازه اش را می‌چرند (د: ۶، ب: ۲۷۹۲ و ۲۷۹۳)

نمودار شماره ۹: فراوانی علم معانی در عدد هفت



بنابراین، یکی از شگردهای کلامی مولوی، استفادهٔ بجا از کنایه است که معانی مجازی داستان‌ها را با آن بیان کرده است.

۲-۵-۲- کاربرد عدد هفت در علم بیان

۱- تشبیه

جسم او همچون چراغی بر زمین نور او بالای سقف هفتمین (د: ۴: ۱۸۴۲)

۲- استعاره

تا بود کز دیدگان هفت رنگ دیده‌ای پیدا کند صبر و درنگ (د: ۲: ۷۵۶)
 رنگ‌ها، استعاره از تجلیات ربوبی است؛ زیبایی‌ها و زیورهای دنیا فریبنده است. باید کوشید تا هوس دسترسی به آن از دل دور شود. این زیبایی‌ها، فریبنده‌ای است ناپایدار، همچون صبح کاذب که می‌درخشد و ناآشنایان را به گمان صبح، به راه می‌کشاند و گمراه می‌سازد. اگر دیده‌ای که بدان رنگ‌های ظاهری گشوده است، بسته گردد، انوار حقیقت بر آن تجلی خواهد کرد. آنگاه است که آدمی از هفت رنگی که به آسمان تعلق دارد و تجلی آن در عالم طبیعت است، برتر می‌رود و خود آفتابی شود. (شهیدی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۵۷ و ۱۵۸)

۳- کنایه

زان که بی‌لذت نروید هیچ جزو بلکه لاغر گردد از هر پیچ جزو
 جزو ماند و آن خوشی از یاد رفت بل نرفت آن خفیه شد از پنج و هفت
 همچو تابستان که از وی پنبه‌زا ماند پنبه رفت تابستان ز یاد
 (د: ۶: ۱۷۹۹)

پیچ: کنایه از درد و ناآرامی (شهیدی، همان: ص ۲۷۵). هفت و پنج، کنایه از کل وجود انسان و قوای ذهنی اوست؛ پس یاد آن لذت محو نشد بلکه در ضمیر ناخودآگاه تو باقی ماند.

هفت، کنایه از هفت عضو اصلی درونی: دماغ، دل، جگر، سپرز، شش، زهره و معده (گرده) و هفت عضو اصلی بیرونی، شامل سر، سینه، پشت، دو دست و دو پا است. مراد از پنج حواس پنج گانه. (زمانی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۹۹ و شهیدی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۷۵)؛ پنج: کنایه از پنج حواس و هفت: کنایه از هفت اندام.

۲-۵-۳- کاربرد عدد هفت در علم بدیع.

الف) آرایه های معنوی

۱- تضاد:

خود چه بیند دید اهل آب و گل	ای بسا بیدار چشم و خفته دل
طالب دل باش و در پیکار باش	گر تو اهل دل نه ای بیدار باش
نیست غایب ناظرت از هفت و شش	ور دلت بیدار شد می خسب خوش

(د ۳:ب ۱۲۲۵)

تضاد: غایب، ناظر / بیدار و خواب

۲- ارسال المثل:

- کان جوان در جست و جو بد هفت سال - از خیال وصل گشته چون خیال
سایه حق بر سر بنده بود - عاقبت جوینده یابنده بود
(د ۳: ۴۷۸۰)

عاقبت جوینده یابنده بود: مثلی است مشهور: مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَهُ. (شهیدی، ج ۳: ص ۷۱۸)

- واگشایم هفت سوراخ نفاق - در ضیای ماء بی خسف و محاق (د:ب ۳۵۴۷)

- هفت دوزخ چیست؟ اخلاق بدت - هشت جنت چیست؟ اعمال خودت

۳- ابداع:

هفت گاو لاغری پرگزند - هفت گاو فربهش را می خورند

هفت خوشه خشک زشت ناپسند - سنبلات تازه اش را می چرند

(د ۶:ب ۲۷۹۲ و ۲۷۹۳)

تلمیح: اشاره به آیه ۴۳ سوره یوسف: وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنَّ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ. «و پادشاه مصر گفت: من خوابی دیدم که هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه سبز دیدم و هفت خوشه خشک (که خوشه های سبز را نابود کردند)، این بزرگان ملک مرا، به تعبیر خوابم اگر عالم خواب می دانید، آگاه کنید.»
اطناب: ایضاح بعدالابهام/مراعات النظیر: گاو، لاغر، فربه، خوشه، سنبل / تضاد: لاغر، فربه.

۴- مبالغه و اغراق:

آنکه ملکش برتر از نوبت تنند برتر از هفت انجمش نوبت زنند (د ۱: ب ۱۳۷۰)

۵- اقتباس:

چون خلیل از آسمان هفتمین بگذرد که لا احب الافلین (د ۲: ب ۱۵۵۹)

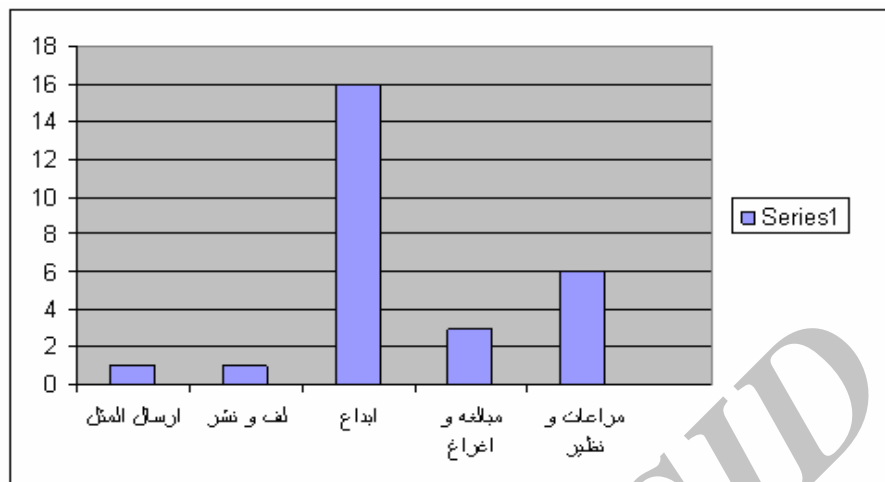
۶- مراعات النظیر:

آتشی را گفت، رو ابلیس شو زیر هفتم خاک با تلیس شو (د ۲: ب ۱۶۲۳)
ابلیس، تلیس، آتش

۷- تلمیح:

صورت نفس ار بجویی ای پسر قصه دوزخ بخوان با هفت در (د ۱: ب ۷۷۹)
مصراع دوم، اشاره است به آیه ۴۳ و ۴۴ سوره حجر: وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ. «همانا دوزخ، وعده گاه جملگی ایشان است. آن را هفت در است و بر هر در، پاره ای مقسوم است مرایشان را.» (استعلامی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۵)
هفت طبقه دوزخ: سقر، سعیر، لظى، حطمة، جحیم، جهنم و هاویه است. (شهبیدی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۵۷)

نمودار شماره ۱۰: فراوانی آرایه های معنوی (بدیع) در عدد چهل



مشخص است که آرایه ابداع، بیش از آرایه های دیگر که به کار رفته است و زیبایی شعر را دوچندان کرده است.

ب) آرایه های لفظی

آرایه های لفظی که به همراه عدد هفت در مثنوی به کار رفته، شامل موارد زیر است:

۱- جناس:

هفت، رفت: جناس مطرف

هشت جنت هفت دوزخ پیش من

هست پیدا همچو بت پیش شمن

(د: ۱ ب: ۵۰۸)

هشت، هفت: جناس لاحق

۲- تکرار

هفت گاو لاغری پرگزند

هفت گاو فریهش را می خورند

هفت خوشه خشک زشت ناپسند

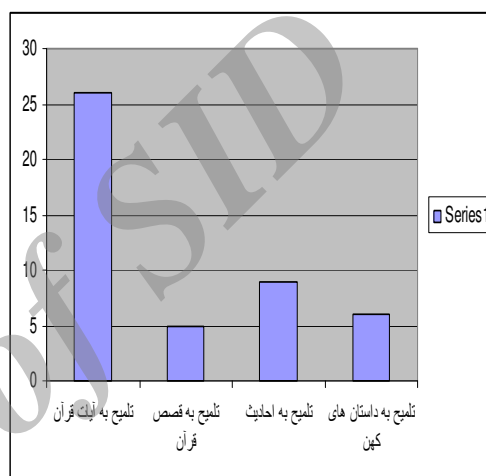
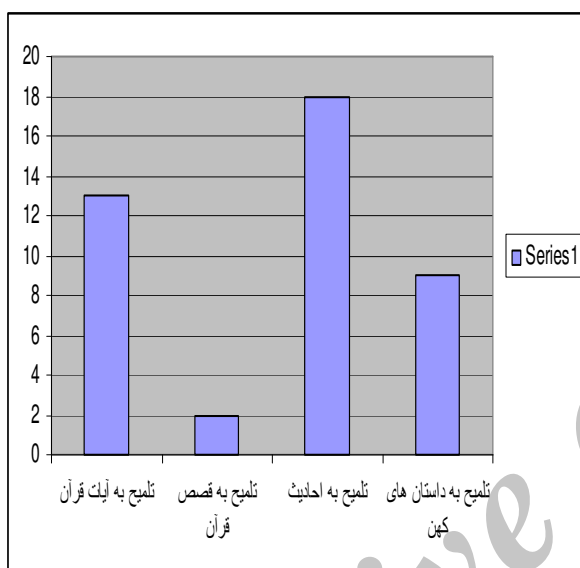
سنبلات تازه اش را می چرتند

(د: ۲ ب: ۶-۲۷۹۳)

تکرار در هفت

و- تلمیحات

مولوی به دلیل انس زیاد با قرآن مجید و احادیث، از تلمیحات بسیاری بهره برده است اما از بین اشعار دارای عدد هفت در مثنوی، ۱۳ بیت به قرآن مجید، ۱۸ بیت به احادیث، ۲ بیت به داستان های قرآنی و ۹ بیت به داستان های کهن اشاره شده است. نمودار شماره ۱۱: فراوانی انواع تلمیحات عدد هفت در مثنوی



نمودار شماره ۱۲: فراوانی انواع

تلمیحات عدد چهل در مثنوی

در مثنوی، مجموعاً ۲۶ بار از تلمیحات به همراه عدد چهل استفاده شده که در این میان، ۵ بیت به قصص قرآن، ۹ بیت به احادیث قرآن و ۶ بیت به داستان های قرآن اشاره دارد.

۳- نتیجه گیری

عدد چهل در فرهنگ اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. هر چند می توان گفت که در عدد چهل نیز مثل هفت و هفتاد، کثرت و مبالغه نهفته است، علاوه بر این، عدد چهل، نشانگر عدد کامل است و همواره از آن، کثرتی که به کمال ختم شود، فهمیده شده است. به دیگر سخن، اعداد هفت و هفتاد فقط از کثرت و مبالغه برخوردارند و لیکن عدد چهل، از کثرت و مبالغه ای برخوردار است که جامع بودن و کمال را به دنبال داشته باشد، نه هر کثرت و مبالغه ای.

به طور کلی، از اعداد و بویژه عدد هفت و چهل در مثنوی معنوی، علاوه بر کاربرد عادی و دستوری، برای بیان مفاهیم گوناگون دینی و عرفانی و آفرینش آرایش‌ها و تصاویر ادبی استفاده شده است.

در مجموع در مثنوی مولوی، ۸۶ بار عدد هفت و ۲۸ بار عدد چهل آورده شده است. عدد چهل نیز بیشتر به صورت تلمیح به آیات قرآن، احادیث و داستان‌های کهن در دفتر پنجم به کار رفته است.

کنایه با بسامد ۴۲، پرکاربردترین تصویر شعری است که با عدد هفت ایجاد شده است. در استفاده از عدد چهل نیز کنایه، استفهام انکاری، اطناب و تشبیه، پرکاربردترین جنبه‌های علم معانی و بیان به شمار می‌روند. بیشترین آرایه‌های معنوی که با عدد هفت به کار رفته، شامل ابداع، تلمیح، مراعات‌النظیر، مبالغه و بیشترین آرایه‌های لفظی نیز شامل جناس است. بیشترین کاربرد عدد هفت در مثنوی، ترکیب «هفت طبقه آسمان» است که مولانا آسمان را با کلمات و ترکیبات: «گردون»، «طبق»، «چرخ هفتم»، «هفتم فلک» و «سقف هفتم» آورده است؛ «هفت دریا» و «هفت اندام» نیز از نظر استفاده به ترتیب، در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. بنا براین، مولانا در مثنوی، بیشتر از اعداد هفت و چهل برای بیان مضامین دینی و عرفانی استفاده کرده است؛ همچون: «هفت دوزخ»، «چله نشینی» و... همچنین، ترکیب «چهل سال» که زمان به تکامل رسیدن انسان است، به لحاظ بسامد، مساوی با تعداد ترکیب چله نشینی در مثنوی آورده شده است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن مجید. (۱۳۸۶). ترجمه الهی قمشه ای. چ ۳: قم: مؤسسه فرهنگی، هنری المقربون.
- ۲- آشتیانی، محسن. (۱۳۸۳). رموز اسرار آمیز عدد چهل. قم: چاف.
- ۳- استعلامی، محمد. (۱۳۶۹). مثنوی، تصحیح و تحلیل و توضیح و فهرست ها. چاپ ۲، تهران: زوار.
- ۴- الهی قمشه ای، حسین محی الدین. (۱۳۹۰). سیصد و شصت و پنج روز در صحبت قرآن. تهران: سخن.
- ۵- انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی (۲ ج). چ ۱۴، با ویرایش جدید. تهران: فاطمی.
- ۶- بقایی، اسدالله. (۱۳۸۵). راز هفت، نمادشناسی و اسطوره شناسی عدد هفت. اصفهان: فرزانه.
- ۷- جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۶). تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی (۲۰ جلد). چاپ ۵، تهران: ناصر خسرو.
- ۸- جمعی از نویسندگان. (۱۳۵۵). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۹- دلفی، علی اکبر. (بی تا). تصویر عدد در آینه عرفان. تهران: کاویان.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
- ۱۱- _____ (۱۳۸۵). امثال و حکم (۴ ج). تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۲- رحمانی راد، اعظم، اسلامی، طیبه. (۱۳۸۶). اسرار شگفت انگیز عدد هفت. تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- ۱۳- ستارپور گلرودباری، ابراهیم. (۱۳۸۷). شگفتی ها و اسرار عجیب عدد چهل. تهران: صبح پیروزی، پیام علمدار.
- ۱۴- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). معانی. تهران: میترا.
- ۱۵- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۳). شرح مثنوی مولانا جلال الدین محمد. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۶- شاملو، احمد. (۱۳۷۵). کتاب کوچه. تهران: مازیار.
- ۱۷- طالقانی، سید کمال. (۱۳۵۲). اصول دستور زبان فارسی اصفهان: مشعل.
- ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین. (بی تا). تفسیر المیزان. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.

- ۱۹- طرازی، عبدالرضا. (۱۳۸۶). **چهل عدد مقدس**. بیرجند: رزقی.
- ۲۰- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۱). **شرح مثنوی شریف (دفتر او ۲)**. چاپ ۲، تهران: امیر کبیر.
- ۲۱- فضیلت، محمود. (۱۳۸۹). «**تأملی در سطح ادبی مثنوی معنوی**». فصل نامه تخصصی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۴، ش ۱، ص ۷۴-۶۵.
- ۲۲- کاشانی، عزالدین محمود بن علی. (۱۳۸۸). **مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه**. مصحح: جلال الدین همایی. چاپ ۹، تهران: همایی.
- ۲۳- کلینی، ثقه الاسلام. (۱۳۷۵). **اصول کافی**. ترجمه: محمد باقر کمره ای. تهران: اسوه.
- ۲۴- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳.ق). **بحار الانوار**. بیروت: وفا.
- ۲۵- مشکور، محمد جواد. (۱۳۴۶). **دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی**. ج ۵. تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
- ۲۶- مولوی، جلال الدین. (۱۳۸۴). **مثنوی معنوی**. نسخه نیکلسون، به تصحیح و ویرایش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- ۲۷- زمانی، کریم. (۱۳۷۸). **شرح حال مثنوی (۶ جلد)**. تهران: اطلاعات.
- ۲۸- نصیری دهقان، مهدی. (۱۳۸۹). **راز عدد هفت**. کرج: شانی.
- ۲۹- نورآقایی، آرش. (۱۳۸۸). **عدد، نماد، اسطوره**. تهران: نقدافکار.
- ۳۰- والی، زهره. (۱۳۷۹). **هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری**. تهران: اساطیر.
- ۳۱- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۶). «**مولوی نامه**» (مولوی چه می گوید؟). ج ۹، تهران: هما.